

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت

دکتر علی نقی منزوی

پیشگفتار کتاب طبقات أعلام الشيعة، سده ۱۲ هـ

برگردان به پارسی

محمد ابراهیم ذاکر

طبقات أعلام الشيعة، الكواكب المنتشرة في القرن

الثاني بعد العشرة، برگه ۵ - ۱۶

دکتر علی نقی منزوی

۱.....	اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت
۱.....	دکتر علی نقی منزوی
۱.....	برگردان به پارسی
۱.....	محمدابراهیم ذاکر
۱.....	سخنی دربارهٔ دائرةالمعارف بزرگ شیعه
۵.....	گروه بندی اندیشمندان سدهٔ دوازدهم
۵.....	منابع سدهٔ دوازدهم
۶.....	اوضاع اجتماعی این سده [دوازدهم]
۶.....	ناتوانی صفویان
۷.....	شکست صفویان در برابر افغان‌ها
۹.....	اشرف افغان
۹.....	نادرشاه افشار
۱۰.....	همایش دشت مغان
۱۴.....	همایش نجف، سال ۱۱۵۶ / ۱۷۴۳ م.
۱۴.....	نام برخی از دانش پژوهان امضاکنندهٔ همراه با نادرشاه در آن سفر
۱۵.....	گروهی از اندیشمندانی که همراه شاه در سفرش نبودند
۱۵.....	گروهی از اندیشمندان میان رودان
۱۵.....	گروهی از اندیشمندان بخارا
۱۵.....	گروهی از اندیشمندان افغانی ابدالی و غلیجهٔ قندهار
۱۶.....	روابط روحی روانی میان خاور و باختر
۱۸.....	برخوردهای فلسفی
۲۰.....	کتابنامه



اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت

دکتر علی نقی منزوی

پیشگفتار کتاب طبقات أعلام الشيعة، سده ۱۲هـ، الكواكب المنتشرة في القرن

الثاني بعد العشرة، برقة ۵ - ۱۶

برگردان به پارسی

محمد ابراهیم ذاکر

سخنی دربارهٔ دائرة المعارف بزرگ شیعه

پس از سپاس خداوند بزرگ

این جزو ویژهٔ سدهٔ دوازدهم است. آن بخشی از کتاب طبقات أعلام الشيعة پدرم، شادروان حاج شیخ آقابزرگ تهرانی (قدس سره / گور او پاک باد) می‌باشد که آن را کواكب المنتشرة / اختران پراکنده در آسمان سدهٔ ۱۲هـ نامید و همان‌گونه آن را در الذریعة، ج ۱۸، ۱۸۱، شمارهٔ ۱۲۹۵ آورد.^۱

^۱ آقابزرگ در کتاب الذریعة، ج ۱۸، ۱۸۰ - ۱۸۱، شناسهٔ ۱۲۹۵ گوید: الكواكب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، این دومین جزو از این دائرة المعارف بزرگ به نام وفيات أعلام الشيعة بعد الألف من هجرة صاحب الشريعة که دارای چهار جزو است که همین نگارنده آن را گردآورده است. هنگامی که توفیق به پایان رساندن آن را از سدهٔ چهارم تا چهاردهم هجرت پیدا کردم، آن را به نام وفيات الأعلام بعد غيبة الإمام الأنعام (ع) و جزو را به نام کوتاه کواكب نامیدم. آغاز کارم سال ۱۳۳۷ ق / ۱۹۱۵ م / ۱۲۹۴ خ بود.

دکتر علی نقی منزوی

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت

۲

هم‌چنین همان‌گونه که با خامهٔ خود بر روی نسخهٔ دست‌نوشتهٔ اصلی آن و نیز در جزو نخست که مجموعهٔ آن را به چاپ رساندم^۱ و در مقدمهٔ کتاب چاپی آن به نام نوابغ الرواة في رابعة المآت، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱م / ۱۳۹۰ق، آوردم.

شادروان نویسندهٔ کتاب طبقات اعلام الشيعة باوری ژرف به تفاوت ماهیتی و جوهری میان دو دورهٔ حضور معصوم و دوران غیبت داشت، چون حضور امام دوازدهم را یکی از شرایط اجرای برخی احکام می‌دانست. از این رو، شادروان بر آن شد، تاریخ سرگذشت اندیشمندان اسلامی، به ویژه دوران غیبت را گرد آورد. او در آغاز نام مجموعه را وفيات الأعلام بعد غيبة إمام الأئمة نامید. (نک: ← الذريعة، ج ۳، شماره ۲۰۹؛ و الذريعة، ج ۲۵، ۱۲۳، شماره ۷۱۷)، سپس به دنبال چاپ برخی از جزوهای آن، نام آن را نیز به طبقات اعلام الشيعة نک: ← الذريعة، ج ۱۵، شماره ۹۷۶ تغییر داد^۲.

^۱ شادروان دکتر علی‌نقی منزوی فرزند بزرگ حاج شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب الذريعة (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، محقق و مصحح این جلد هم‌چون مجلدات دیگر این دایره‌المعارف بزرگ رجال شیعه و اندیشمندان گرانسنگ ایران زمین، طبقات اعلام الشيعة نوشتهٔ آقابزرگ از سدهٔ چهارم تا پایان سدهٔ دوازدهم در نه جلد است. او سده‌های چهارم تا نهم آن را در بیروت و دهم تا دوازدهم را در تهران به چاپ رساند.

^۲ آقابزرگ تهرانی نویسندهٔ این دائرةالمعارف جهان تشیع و ایران زمین، پس گردآوری سدهٔ چهارده که همان نقباء البشر في القرن الرابع عشر متوجه شد که گروهی از اندیشمندان این سده زنده هستند، پس بر آن شد تا نام کتاب را از وفيات / درگذشتگان به طبقات / گروه‌بندی جایگزین نماید (ذاکر).

آقابزرگ در الذريعة، ج ۳، برگه ۷۱، شماره ۲۰۹، شناسهٔ البدور الباهرة بعد المائة العاشرة في العلماء الذين نشئوا بعد الألف من الهجرة إلى العصر الحاضر / ماه‌های درخشان از اندیشمندی که پس سدهٔ دهم تا این سده زیستند، مرتب به ترتیب الفب در چهار جلد است:

1. الروضة النضرة في علماء المائة الحادية عشر / بهشتی سرزنده از اندیشمندان سدهٔ یازدهم هجرت؛
2. الكواكب المنتثرة في القرن الثاني بعد العشرة / ستارگان پراکنده از فرهیختگان سدهٔ دوازدهم هجرت؛
3. الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة / بزرگان و دانشمندان سدهٔ سیزدهم؛
4. نقباء البشر في القرن الرابع عشر / انسان‌های بزرگان سدهٔ چهاردهم هجرت؛

هم‌چنین در الذريعة، ج ۱۸، ۱۸۰ - ۱۸۱، شناسهٔ ۱۲۹۵ در شناسهٔ کواكب المنتثرة دربارهٔ آن سخن گفته است.

آقابزرگ در الذريعة، ج ۲۵، ۱۲۲ - ۱۲۴، شماره ۷۱۶-۷۱۷ دربارهٔ دو شناسهٔ.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت

۳

یک نام این دایرة المعارف و فیات اعلام الشیعة بعد الألف من هجرة صاحب الشریعة / زندگی‌نامه اندیشمندان جهان تشیع پس از هزاره نخست هجرت پیامبر شریعت اسلام است که به نام البدور الباهرة بعد مرور العاشرة / ماه و بدرهای درخشان پس از گذر ده سده از هجرت پیامبر در الذریعة، ج ۳، ۷۱ یاد شده است که این نامی برای بخشی از این دایرة المعارف من که اخیراً آن را طبقات اعلام الشیعة نک: الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۶ نامیدم که در برگیرنده چهار جزو سده‌های چهارگانه پس از نخستین هزاره هجرت است. من هفت سده پیش از آن را و فیات الأعلام بعد غیبة إمام الأئمة / زندگی‌نامه اندیشمندان شیعه پس از غیبت امام همه آفریده شدگان نهاده بودم که در همین جا نام آن خواهد آمد.

نام دیگر و فیات الأعلام بعد غیبة إمام الأئمة است که آن از گردآوری‌های این بنده فانی آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ) است. هنگامی که پی به ناتوانی همکارم استاد حسن صدر عاملی اصفهانی (د: ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م) نویسنده تأسیس الشیعة الکرام لفنون الإسلام، الذریعة، ج ۳، ۲۹۸ و الشیعة و فنون الإسلام، الذریعة، ج ۱۴، ۲۷۳. در کامل کردن کتابش و فیات الأعلام من الشیعة الکرام بردم که نتوانست، جز بخشی بسیار اندک و آن نیز از چند سده نخست هجرت به صورت سیاهه چیزی بیرون دهد، من برآن شدم که کاری همانند او را دنبال نمایم، پس چهار سده پس از هزاره نخست هجرت زبا با نام و فیات اعلام الشیعة بعد الألف من هجرة صاحب الشریعة شماره ۷۱۶ همین مجلد (۲۵) یا البدور الباهرة بعد المائة العاشرة، نک: الذریعة، ج ۳، ۷۱ گردآوری کردم تا تکمله‌ای بر کتاب آموزگارم و تکمیل‌کننده کار او باشد.

منزوی گوید: این نام نوشته خود صاحب الذریعة در حرف واو است که در سیاهه کتاب الذریعة آمده است و این نام را به گونه شفاهی نیز از او شنیده‌ام، ولی هنگامی که در سال ۱۹۷۱ به چاپ آن اقدام کردم و به فراهم آوردن مقدمه کتاب النوابع از سده چهارم روی آوردم و آن را برای چاپ آماده ساختم، من در دوری ناخواسته از کشورم در سال‌های ۱۹۶۶ - ۱۹۷۵ در بیروت بودم و سیاهه مجلدهای الذریعة نزد برادرم احمد در تهران بود که در حال تصحیح و چاپ آن‌هاست که حرف «غ» تا «م» آن را چاپ نمود و من نمی‌توانستم از سیاهه مجلدهای الذریعة بهره ببرم. من هرگز نمی‌خواستم ریسک کنم و سخنی را بنویسم که تنها از پدر شنیده باشم، بدون آن که نوشته‌ای به خامه‌اش داشته باشم. هم‌چنین ما اختلاف نام‌گذاری برای برخی از جزوهای این دایرة المعارف داریم، چون پدر نام آن‌ها در پشت کتاب النوابع سده چهارم که من آن را به گونه فتوگرافی در مقدمه النوابع چاپ کردم، یادداشت نکرده است. نک: مقدمه النوابع، «که = ۲۵»

آقابزرگ گوید: ... من اندیشمندان هر سده برپایه الفب مرتب کردم و هر سده را نامی ویژه دادم، مانند:

۱- نقباء البشر في القرن الرابع عشر، نک: الذریعة، ج ۲۴، ۲۷۱، شماره ۱۴۰۳. آغاز نگارش آن ۱۳۳۳ ق و در سال ۱۳۴۸ ق به پایان رسید. من به هنگام چاپ جزو نخست آن نام نقباء البشر في القرن الرابع عشر دادم و نام دایرة المعارف را طبقات اعلام الشیعة نک: الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۶ - ۱۴۷ نهادم.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت

٤

- ٢- سعداء النفوس في القرن المنحوس که همان سدهٔ ١٣هـ است، ولی به هنگام چاپ نام آن را به الکرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة گذاشتم که نه در حرف «س» و نه در «ک» یاد نشده است.
 - ٣- الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة که الذریعة ج ١٨، ١٨١ یاد شده است.
 - ٤- الروضة النصرة في المائة الحادية العشرة که در الذریعة، ج ١١، ٣٠٤ یاد شده است.
- من با کتاب النقباء البشر در سال ١٣٣٣ ق آغاز کردم و در سال ١٣٤٠ ق کتاب البدور را به پایان رساندم، پس از آن از ادامه کار استادم صدر نومید نشدم و به گردآوری هفت سدهٔ دیگر از سدهٔ چهارم تا سدهٔ دهم هجرت پرداختم و سه سدهٔ نخستین را یکی به جهت کار استادم واگذاشتم و دیگری چون نویسندگان و اصحاب اصولی رجالی که کهن‌ترین ایشان، کشی (سدهٔ ٤هـ)، نجاشی (٣٧٢ - ٤٥٠ ق) و شیخ طوسی (٣٨٥ - ٤٦٠ ق) در کتاب‌های فهرست خود دربارهٔ اندیشمندان این سه سده به فراوانی سخن گفته بودند، من دیگر بدان‌ها ورود نکردم؛ البته افزون بر آن‌ها رجال‌شناسان متأخر نیز کار گذشتگان را تکمیل کردند که کامل شدهٔ کارشان را در کتاب مصفی المقال في مصنفی علم الرجال، نک: الذریعة، ج ٢١، ١٣٠ گردآوری کردم. از این‌رو، من نام این دائرة المعارف خود را به وفیات الأعلام بعد غیبة إمام الأئمة تغییر دادم و این نام دیگر سده‌هاست:
- ٥- إحياء الدائر في القرن العاشر / زنده‌کنندهٔ فراموش‌شدگان سدهٔ دهم، نک: الذریعة، ج ١، ٣٠٨.
 - ٦- الضیاء اللامع في القرن التاسع، چراغ درخشان سدهٔ نهم، الذریعة، ج ١٥، ١٢٧-١٢٨.
 - ٧- الحفاظ السادنة في المائة الثامنة / حفاظ نگاه‌داری در سدهٔ هشتم، سپس آن را به نام حقایق ثم غیرت اسمه إلى الحقائق الراهنة في المائة الثامنة / حقایق ثابت و دائمی سدهٔ هشتم، الذریعة، ج ٧، ٣٤ که در سال ١٩٧٥ با ٢٧١ برگه در بیروت به چاپ رسید.
 - ٨- الأنوار الساطعة في المائة السابعة / پرتوها درخشان از سدهٔ هفتم، الذریعة، ج ٢، ٤٢٨. این کتاب به سال ١٩٧٢ م با ٢٣١ برگه در بیروت به چاپ رسید.
 - ٩- الثقات العیون في سادس القرون / اندیشمندان موثق در سدهٔ ششم، نک: الذریعة، ج ٥، ٨ به سال ١٩٧٢ با ٣٦٣ برگه در بیروت به چاپ رسید.
 - ١٠- الذهب الخالص في القرن الخامس / زر ناب از سدهٔ پنجم، سپس آن را إزاحة الحلك الدامس بالشموس المضيئة في القرن الخامس / از میان بردن تاریکی شب با خورشیدهای تابان سدهٔ پنجم، الذریعة، ج ١، ٥٢٦، سپس آن را دوباره به النابس في القرن الخامس / ، الذریعة، ج ٢٤، ١، شمارهٔ یک، دگرگون کردم که به سال ١٩٧١ با ٢٢٩ برگه در بیروت به چاپ رسید.
 - ١١- النابغة من الرواة / نام‌برده نشدگان از روایان خبر الذریعة، ج ٢٤، ١، سپس نام آن را نوابغ الرواة في رابعة المآت / الذریعة، ج ٢٤، ٣١٥، شمارهٔ ١٦٤٧ که به سال ١٩٧١ با ٣٦٥ برگه در بیروت پخش شد. آغاز کارم بر روی احياء الدائر ١٣٤٤ ق و پایان کارم بر روی کتاب نوابغ الرواة ١٣٤٨ ق

گروه‌بندی اندیشمندان سدهٔ دوازدهم

ترتیب این جزو همانند جزوهای پیشین، بر پایهٔ ترتیب حروف الفب نام کسان و اندیشمندان است، همان‌گونه که من این موضوع را در مقدمه و پیش‌درآمد جزو سدهٔ یازدهم بازگو نمودم.

هم‌چنین لقب و نسبت به شهر و پیشه و مقام‌های سیاسی و ویژگی‌های علمی، مانند پزشک، ریاضی‌دان، اخترشناس و اختربین را همان‌گونه که در سدهٔ یازدهم آوردم، در این جا نیز برپایهٔ حروف الفب، هر کدام را در جای خود نهادم و ارجاع به نام‌هایشان دادم.

منابع سدهٔ دوازدهم

منابع چاپ این دست‌نوشته [طبقات/اعلام الشیعة سدهٔ دوازدهم]: منابع اولیه این جزو و چگونگی پژوهش و تحقیق آن، همانی است که در مقدمهٔ جزوهای پیشین نوشتیم، افزون بر آن افزوده‌هایی است که ما آن را به تنهایی؛ و یا به کمک دوستان از بررسی فهرست برخی کتاب‌ها، مانند کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران و دو کتابخانهٔ سپهسالار و مجلس شورا در تهران به دست آوردم. هم‌چنین از فهرس اعلام الذریعة که مجموعه‌ای گردآوری شده به وسیلهٔ برخی از نوادگان، دامادها و دوستان صاحب الذریعة و جز ایشان، زیر نظر من و برادرم احمد [منزوی] است، برای یادکرد نوشته‌های کسانی که زندگی‌نامهٔ آن‌ها در این کتاب آمده و هم‌اینک این فهرس آمادهٔ چاپ است، بهره بردم.

بود. من پس از نگارش آن‌ها ترتیب کتاب‌ها بدین گونه کردم که کتاب النوابع جلد یکم و نقباء جلد یازدهم شد. من انگیزهٔ تبدیل نام الوفیات به طبقات اعلام الشیعة، نک: الذریعة، ج ۱۵، ۱۴۶ - ۱۴۷ در پیشگفتار چاپ نقباء البشر بازگو کردم.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

ه

دکتر علی‌نقی منزوی

اوضاع اجتماعی این سده [دوازدهم]

مهم‌ترین بخشی که در این سده روی داد، فروپاشی فرمانروایی صفویان است که در نیمه سده هشتم در اردبیل پایه‌گذاری شد که یکی از خاندان بزرگ ایرانی به شمار می‌آمدند که گنوسیزم ایرانی را یک ایدئولوژی برای زندگی فنودالی، اقطاعی و فرمانروایی خود بر آذربایجان برگزیدند.

هنگامی که عثمانیان استانبول‌نشین خود را با عنوان خلافت و خلیفه‌گری مسلح کردند و خود را در پناه و سنگر آن نهادند، ره به سوی خاور نهادند، مردم اهل سنت آسیای صغیر و بخش باختری رود فرات تن به فرمان ایشان دادند تا این که به مرزهای آذربایجان رسیدند.

ناتوانی صفویان

صفویان برای ایستادگی در برابر آنان از اندیشه شیعه‌گری [رفض] دیرین ایرانی (نک: برگه ۴۱۲ همین کتاب) کمک گرفتند که در بسیاری از شهرهای ایران، مانند کاشان و قزوین نمود آشکاری داشت و همواره بر پایگاه فلسفی خردورزانه ریشه‌دار در مکاتب و مدارس آن شهرها و مدارس شهرهای اصفهان و شیراز از یک سو و مشهد تا هرات از سوی دیگر، استوار بود، پس صفویان برآن شدند تا آیین قشری‌گرایی سنی خانوادگی خود را درون پوسته شیعه‌گرایی بگذارند و گردن در برابر تشیع خم کنند و بدان تن در دهند، پس مردم پیرامون ایشان گرد آمدند و بدین گونه شد که یک فرمانروایی شیعه پایه‌گذاری گشت تا توانست از پیشروی ترکان عثمانی جلوگیری نماید. ایجاد چنین فضایی، انگیزه‌ای شد تا به اندازه‌ای دانش فلسفه و دیگر علوم و فنون در سراسر ایران زمین، به زیبایی رو به شکوفایی بگذارد.

ما دیدیم که پادشاهی صفوی در سده یازدهم و پس از رویدادهای قزوین به سال ۱۰۰۲ ق (نک: طبقات اعلام الشیعة، سده یازدهم، پانوشت برگه‌ها ۱۸۴ - ۴۹۲) رو به دگم‌اندیشی گراییدند و از سوی دیگر مقام‌های سیاسی اجرایی و قضاوت را به اخباریان و مهاجران به دور از فلسفه و عرفان دادند، همان گونه که قزوینی بدان اشارتی در تتمیم الامل^۱، ۱۶۹ داشته است (نک: ← طبقات اعلام

^۱ کتاب تتمیم امل الآمل نوشته آقا شیخ عبدالنبی قزوینی فرزند محمدتقی (ز: ۱۱۹۷ق)، از رساله‌ها و تکمله‌هایی است که در توسعه و تصحیح اطلاعات امل الآمل نوشته محدث بزرگ شیخ محمد فرزند حسن حر عاملی نگارش است.

الشیعة سده دوازدهم، ۲۹۷). از این رو، فرمانروایان صفوی از این پس به مسابقه در تظاهر و ریاکاری دینی پرداختند و فشار بر فیلسوفان و خردورزان کلاس‌های درس ایشان وارد آوردند، آنان گروهی از اندیشمندان خردورز، مانند میرداماد (۹۷۰ - ۱۰۴۱ق)، فندرسکی (۹۷۰ - ۱۰۵۰ق) عبدالرزاق لاهیجی (د: ۱۰۷۲ق) و محسن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ق) بودند.

نتیجه این فشارها مطرح شدن یک مسئله عام در میان روشنفکران و دانش آموختگان در پایتخت‌های علمی یاد شده بود که آن: پیدایش یک انگیزه روحی روانی ایرانیان از پذیرش خلافت عثمانی و پافشاری آنان برداشتن استقلال فکری در آغاز سده دهم بود که آهنگ آنان را در ادامه دادن آزادی خردورزی فلسفی و اجتهاد در مذهب تشیع و گنوسیزم اسلامی بوده است، پیامد آن رشد آموزش‌های آموزشگاه خواجه نصیرطوسی (۵۹۷ - ۶۷۲ق) تا روزگار منصور دشتکی (د: ۹۴۸ق) و دانشمندان و فیلسوفان میان این دو تاریخ بوده است و افزون بر آن، ایشان به پایش و نگاه داشت آن [گنوسیزم ایرانی] از فروپاشی و نابودی در برابر قشری گرای فقیهان دربار خلافت عثمانی، به ویژه دیدگاه‌های ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ق) و پیروان پرداختند.

از سوی دیگر شرایط یادشده در دربار خلافت عثمانی، موجب شد تا صفویان آرام آرام به سوی پذیرش دیدگاه‌های اخباریان بروند و به دنبال آن فشار بر خردورزان و عرفان‌گرایان وارد آوردند تا جایی که شرایط را به گونه‌ای فراهم آوردند که برخی از اندیشمندان برای پاییدن جان خود از آزار نادانان و گماشتگان فرمانروایان لقب اخباری بر خود بنهند (نک: ← برگه ۵۳ همین کتاب) و برخی از دانشمندان ناگزیر شدند لقب قطب‌الدین خود را که نخستین پله مفهوم عرفان بر آن استوار است، به بهاء‌الدین تغییر دهند (نک: ← برگه ۶۹۷ - ۷۰۰ همین کتاب) شاید این یکی از انگیزه‌هایی مهم بود پیداشده در مردم بود که آنان را از نگاه داشت و پایش اصفهان در محاصره سال ۱۱۳۴ - ۱۱۳۶ق در برابر تاخت و تاز افغانان حنفی‌آیین بازداشت؛ البته اینان خود را گروهی وابسته به اهل تسنن می‌دانستند.

شکست صفویان در برابر افغان‌ها

شکست صفویان، به دست خودشان انجام گرفت و آن با گزینش سیاستی بود که برای اداره فرمانروایی خود برگزیدند و آن از یک سو گزینش سیاست‌های فشار بر فیلسوفان و خردورزان و از سوی دیگر چیره ساختن اخباریان بر دستگاه‌های قضاوت و آموزش، مسجدها و آموزشگاه‌ها بود و این به گونه‌ای بود هنگامی که شاه حسین صفوی (۱۱۰۶ - ۱۱۳۵ق) فرزند سلیمان صفوی با لقب شاه صفی دوم صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ق) فرزند شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ق) فرزند شاه صفی یکم (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) فرزند شاه

عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸ق) بر تخت پادشاهی نشست، اوضاع به گونه‌ای شد که هدایت در کتاب روضة الصفاى ناصری^۱ (نک: ← ذریعة، ج ۱۱، شماره ۱۷۸۲) گفت: رقصندگان و مطربان جایگزین دلاوران رزم و مردان سیاست در دربار شدند، و فیلسوفانی هم چون صادق اردستانی ((نک: ← برگه ۳۵۹) را گزاندند و آنان را متهم به کفر کردند و آنان را نوآور و بدعت‌گذار نامیدند. ناتوانی و ناشایستگی ایشان بر فراز سراسر سرزمین‌ها سایه افکند.

فرمانده ویس غلیجایی برای شکایت از دستبرد افغانان به اصفهان آمد، ولی خوار و شکست خورده بازگشت، پس از او برادرش عبدالعزیز جانشین وی شد و هرات را گشود، سپس فرزندش محمود جای او را گرفت. شاه صفوی از این رویداد، هراسان شد و چندین لقب و کنیه بدو بخشید، ولی او خشنود نشده و بدان‌ها بسنده نکرد و از پی آن کرمان را گشود و شیراز را نه ماه در میان گرفت و محاصره اصفهان را ادامه داد. شاه حسین در برابر او، بزرگان دین و پارسایان را گرد آورد و دستور داد به جای رزم و سلاح به دست گرفتن، دعا و ورد و طلسم بخوانند و ببندند. محمود سوم جمادی دوم سال ۱۱۳۴ کلون‌آباد در روستایی از کارگزاری اصفهان و دو روز پس از آن روستای فرح‌آباد را گشود.

شاه حسین در ۲۷ رجب همان سال فرزندش طهماسب دوم (آغاز شاهی ۱۱۳۵- برکناری ۱۱۴۴ق) را به ولی عهدی برگزید و او را پنهانی در ۲۳ ماه رمضان به کاشان فرستاد. محاصره، زندگی را بر مردم اصفهان سخت تنگ کرد تا آن که شاه وارد شد. او در بامداد آدینه دوازدهم محرم سال ۱۱۳۵ از کاخ خود در اصفهان بیرون آید و زبونه در برابر محمود در روستای فرح‌آباد زانو بزد و از فرمانروایی و شاهی به سود او دست کشید و با دستن خود تاج را بر سر محمود گذاشت. محمود در چهاردهم محرم به اصفهان درآمد و شاه را در کاخ زندانی کرد، پس از چند روز خبر آن به طهماسب دوم در تبعیدگاهش رسید.

او آغاز شاهی خود را در پایان محرم ۱۱۳۵ در قزوین اعلام کرد، ولی هیچ کار رزم‌جویانه‌ای را از خود نشان نداد.

^۱ روضة الصفا في سيرة الانبياء و الملوك و الخلفاء تاريخ عمومي به زبان فارسی نوشته محمد فرزند خاوندشاه فرزند محمود با آوازه به میرخواند؛ یا میرخوند (۸۳۷-۹۰۴) است. میرخواند در تاریخ جهان را از آغاز آفرینش تا روزگار شاه حسین باقرا آورده است، سپس با درگذشت میرخواند، نوه دختری او خواندمیر غیاث‌الدین فرزند همادالدین خواندمیر (۸۸۰-۹۴۳ق) به تکمیل کتاب روضة الصفا تا تاریخ سال ۹۲۹ق به صورت تکمله‌ای بر آن افزود، سپس رضاقلی خان هدایت طبهرستانی (۱۱۷۹- ۱۲۵۰خ) تکمله‌ای بر روضة الصفا با عنوان روضة الصفاى ناصری نگاشت و حوادث تاریخی را از آغاز حکومت صفویه تا سال ۱۲۷۰ق گزاره کرد.

اشرف افغان

اشرف افغان در شعبان ۱۱۳۶ عموزاده خود محمود را به ادعای دیوانگی بکشت و به جای او بر تخت شاهنشاهی ایران در اصفهان نشست. سال سوم بر تخت نشستن اشرف، عثمانیان بخش باختری سرزمین ایران را گشودند و از اشرف افغان خواستار تسلیم کردن اسیر او، شاه حسین به ایشان شدند. اشرف سر شاه را در زندان از تن جدا کرد و آن را برای عثمانیان فرستاد. پیکر او را در قم به خاک سپردند.

برخی از وزیران شاه حسین بدین گونه نام گذاری شده اند:

۱- شاه قلی فرزند علی خان زنگنه (نک: ← برگه ۴۰۰ و ۵۲۴)؛

۲- محمد مؤمن شاملو؛

۳- طاهر وحید قزوینی (نک: ← برگه ۳۹۹ - ۴۰۰)

۴- فتح علی خان داغستانی فرزند القاص میرزا؛

۵- محمد قلی خان که سپاه افغان، او را بکشتند.

آن گاه در چنین روزگار نادر افشار سربرآورد که شاه طهماسب دوم صفوی او را لقب طهماسب قلی داده بود.

او هم چون سپاهی جوان، پُرنیرو، پُرکار و شاداب، براندن افغان‌ها از اصفهان و بخش‌های خاوری ایران روی آورد، و پس از سرکوب و بیرون راندن ایشان، عثمانیان را از بخش باختری و روس‌ها را از شمال ایران براند و دور ساخت.

نادرشاه افشار

نادرشاه از ایل و تبار ترکمنی بود که ایشان ترکان آسیای میانه‌اند که بالیدن و بزرگ شدن آنان بر پایه آیین سنی‌گرایی استوار است. آیینی که تخم آن را فرمانروایان اموی و عباسی در این جایگاه کاشتند. هنگامی که ترکان در سده سوم هجرت به سوی ایران آمدن، اندک اندک عرفان و گنوسیزم اسلامی ایرانی بر آن‌ها تأثیر گذاشت، سپس به همراه ایرانیان زیر پرچم دوست‌داران خاندان عصمت از تبار محمد (ص) قرار گرفتند که جز خوبی از آن‌ها دیده و شنیده نشده و تابش روشنایی پیامبر محمد (ص) در آن‌ها آشکار است، سپس به رد کردن خلافت و خلیفگانی روی آوردند که جز ستم و کینه‌ورزی به ملت، برخورداردی دیگر از آنان دیده نشد و جز نابکاری و تباهی در دربار آنان چیزی دیگر رخ نمی نمود.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۱۰

ایل افشار و نادر نیز به همین گونه بودند. او از دیدگاه دینی، سنی آیین بود، ولی تأثیر دوستی خاندان محمد (ص) و شایسته‌تر بودنشان بر خلیفگان و دیگر ستم‌گران بر دیدگاه آنان آشکار بود. او خود را ایرانی به شمار می‌آورد و زبان او ترکمنی، پارسی بود.

هنگامی که نادر سرزمین‌های ایران را از دست بیگانگان بیرون آورد، آزمند به دست گرفتن شاهنشاهی از خاندان صفویه و جابه‌جایی آن به خاندان افشاری خود بود، پس از آن بر آن شد تا آن را از راه گردهمایی مانند؛ یا یک هم‌اندیشی برگزار کند، چون می‌خواست آن را یک گونه پیشرفت دموکراسی به نمایش بگذارد که همانند آن از دست‌آوردهای اروپا در آن زمان به شمار می‌آمد.

نمایش این پیشرفت را در نوشته‌های قطب‌الدین نیریزی عارف شیرازی (د: ۱۱۷۳ق؛ نک: ← برگه ۵۹۸ - ۶۰۲) می‌توان یافت. او در رسالهٔ سیاسی خود بر این باور است؛ بایسته آن است با شرط پیمان‌نامه‌ای، همانند پیمان مالک اشتر، پادشاهی صفوی را به آنان بازگرداند (نک: ← نهج البلاغه، ج ۲، ۵۳). رسالهٔ یادشده را رسول جعفریان با همیاری کتابخانهٔ مرعشی به سال ۱۳۷۱خ در قم به چاپ رساند، همانندی‌هایی با نامهٔ تنسر دارد که در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، چاپ اقبال، تهران، (۱۳۲۰خ، برگه ۱۵-۴۱) آمده است. شادروان پدرم نویسندهٔ کتاب طبقات اعلام الشیعة مجموعه‌ای از نوشته‌های سیاسی نیریزی به همراه کتاب فصل الخطاب در کتابخانهٔ اسماعیل محلاتی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۳ق) نویسندهٔ کتاب اللئالی المربوطة فی بیان المشروطة (نک: ← الذریعة، ج ۱۸، ۲۶۳، شماره ۳۰؛ ج ۱۶، ۲۹۹، شماره ۸۹۸؛ طبقات اعلام الشیعة، قرن ۱۴، ۱۶۳)، ما را وامی‌دارد بیندیشیم که محلاتی در دفاع از پارلمان و مشروطیت از نوشته‌های سیاسی یاد شدهٔ عارف صوفی نیریزی در زمان آغاز شکل‌گیری اندیشه‌های آزادی‌خواهانهٔ اجتماعی در ایران سدهٔ دوازدهم هجرت تأثیر گرفته و بهره برده است.

همایش دشت مغان

نادر فراخوانی به فرمانروایان سرزمین‌های ایرانی، دانشمندان، قاضیان، امامان جمعه و جماعت داد تا در دشت مغان گرد آیند. این نخستین کنفرانس از دو همایش است که نادر برگزار کرد.

دشت مغان، بخشی قرارگرفته میان رود کر از شمال و رود ارس از خاور در سرزمین آذربایجان است. فرمان داد: پیش از آمدن میهمانان دوازده هزار خانه از چوب، برای آنان بسازند تا در زمان ماندگاری ایشان برای همایش، در آن ساکن شوند و افزون بر آن بخش‌های مکمل آن از مسجد و گرمابه برایشان فراهم ساخت.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۱۱

نادر در شب نهم ماه رمضان سال ۱۱۴۸ ق / بیست و دوم کانون دوم ینایر (فوریه) ۱۷۳۶ م به آن جایگاه فرود آمد و در آغاز همایش با هزار تن از ایشان نشست بر گزار کرد و به دروغ به وسیله وزیر خود طهماسب جلایر کناره گیری خود را از فرمانروایی اعلام کرد که به دنبال آن مردم باید یک تن از خاندان صفوی را برای فرمانروایی و شاهنشاهی برگزینند، در ضمن گروهی از یاران خود را واداشت تا اعلام کنند، شاهی به جز نادر را نمی پذیرند و پس از نشست های چندباره در چندین روز و تأکید بسیار حاضران بر تأیید شاهی نادر، او فرمان داد یک همایش عمومی برگزار شود که چهار روز به درازا کشیده شد و در آن نادر چندین شرط برای به دست گرفتن شاهنشاهی و فرمانروایی اعلام کرد:

هیچ کس حق بازگرداندن فرمانروایی را به خاندان صفوی نداشته باشد؛

ایرانیان نام آیین شیعه و رد کردن خلیفگان چهارگانه در سده نخست را کنار گذارند و تنها بسنده به لقب جعفری کنند که نسبت داده شده به پیروی از امام جعفر صادق (ع) است و همانند نسبت به پیشوایان چهارگانه سنیان در سده دوم هجرت باشد و این که بپذیرند اختلاف آنان با سنیان تنها در مسائل فرعی و نه اصولی دین می باشد و این که امامت از شمار اصول دین نمی باشد تا آن مشترکات پنج گروه به سده نخست هجرت بازگردد و به دنبال آن استدلال عقلی در ارتباط با قاعده لطف در اثبات امامت را کنار گذارند و تنها به استدلال های نقلی در امامت بسنده کنند.

ملاباشی رییس العلماء در یکی از این روزهای همایش به چینش شرط های نادر اعتراض کرد.

نادر فرمان داد: او را بی درنگ بکشند.

گفته اند: او را پنهانی کشتند.

حاضران دیگر که طیفی گسترده میان هواداران پذیرش شرط های نادر؛ و یا مخالف و بیمناک از دست دادن جان، شرط های او را پذیرفتند.

به هر روی نادر بر تخت شاهی ایران نشست و سرایندگان برای تاریخ آغاز شاهی او ماده تاریخی در سروده خود برگزیدند و آن «الخیبر فیما وقع = ۱۱۴۸» بود.

هم چنین این عبارت در سکه ها زده شد، ولی یکی از سرایندگان با سروده پارسی خود آن را به «لا خیبر فیما وقع» بدین سان تبدیل کرد:

بُردیــــــــــــم از مال و از جان، طمع

به تاریخ لایــــــــــــخیــــــــــــر فیما وقع

ملاباشی شهید زودهنگام همایش دشت مغان چه کسی بود؟

کتاب *شجرهنامه خاتون آبادی (النریعة، ج ۱۳، ۲۳۶، شماره ۱۲۵) گوید: سید محمد فرزند صالح خاتون آبادی (نک: ← برگه ۶۶۴) ملاباشی را برای شاه تهماسب دوم (۱۱۳۵ - ۱۱۴۴ ق) به عنوان دبیر برگزیده شد. سید عبدالله جزایری در کتاب الاجازة، (چاپ سمایی، برگه ۱۷۹ - ۱۸۰) نیز همین مطلب را بازگو کرده است.*

کتاب عالم آرای نادری، ج ۲، برگه ۴۵۵ نیز نام او را خط زده، بر روی آن عنوان ابوالحسن ملاباشی را نوشته است.

به هر روی او به جز عبدالحسین ملاباشی شهید در همان سال و با همان اتهام به دست نادر شاه می باشد.

نام برخی از اعضاء و شرکت کنندگان همایش دشت مغان به پیوست می آید که شادروان پدرم نویسنده طبقات اعلام الشیعة در این جلد یاد کرده اند:

- ابراهیم قمی فرزند محمدباقر رضوی (نک: ← برگه ۱۸)؛

- احمد قزوینی فرزند ابراهیم (← برگه ۴۴)؛

- صدرالدین قمی فرزند قاضی سعید (نک: ← برگه ۳۸۲)؛

- عبدالحسین ملاباشی (نک: ← برگه ۴۲۱)؛

- علی اکبر طالقانی (نک: ← برگه ۴۹۶)؛

- عبدالرحیم سبزواری (نک: ← برگه ۴۲۶)؛

- عبدالله جزایری (نک: ← برگه ۴۵۶)؛

- محمد خاتون آبادی (نک: ← برگه ۶۶۴).

از آن جایی که نادر، برخاسته از یک خانواده سنی بود، هرگز معنی گردآمدن و به هم رسیدن عصمت الهی در یک آدم کامل قرار گرفته در رأس مدینه فاضله را نمی فهمید، همان گونه که آن را فارابی در فصل ۲۶ کتاب خود آراء اهل المدینه الفاضله گزاره کرده بود. هم چنین انطباق آن را بر معصومان خاندان پیامبر (ص) پذیرا نبود.

او بر آن شد تا هم آوایی سیاسی میان شیعه پذیرای عصمت و سنی ردکننده آن، پدید آورد. هنگام پایان همایش دشت مغان، تاج گذاری شاهی او به عنوان شاهنشاه بر ایران به پایان رسید، فرستاده ای به دربار خلیفه عثمانی گسیل داشت تا از او پذیرش آیین های پنج گانه [به جای چهارگانه حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی] را درخواست کرد که آن پذیرش شیعیان به عنوان آیین پنجم به

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۱۳

همراه آیین‌های چهارگانه سنی آیینان باشد. پس از آن که نماینده وی از دربار عثمانی شکست خورده بازگشت، نادر رو به سوی خاور گذاشت و در اندیشه گشودن هند برآمد، چون بر این گمان بود، چنانچه هند را بگشاید، می‌تواند اراده خود را بر خلیفه ترک عثمانی تحمیل کند، پس به همراه ارتشی کوچک راه افتاد، سفری را آغاز کرد که دو سال و هفت روز به درازا کشید.

آغاز آن روز نخست ماه صفر ۱۱۵۱ و پایان آن هفتم صفر ۱۱۵۳ بود.

نبردی تمام عیار در چندین جنگ داشت که ره آورد آن: شهر لاهور در ماه رمضان گشوده شد و محمدشاه در دهلی در ماه ذی حجه ۱۱۵۱ تن به شکست داد.

نادر به عنوان این که میهمان و میزبان هر دو از خاندان تیموریان هستند و با یکدیگر نبرد نمی‌کنند، تاج و تخت و فرمانروایی شاهی هند را به محمد شاه بازگرداند، (نک: ← جهان‌گشای نادری، برگه ۳۲۷)، سپس نادر در ماه صفر ۱۱۵۳ به سرزمین خود به همراه مال و منال و غنیمت بسیار بازگشت.

او در همان سال ۱۱۵۳ خوارزم را گشود. سپس به مشهد و بارگاه امام رضا (ع) بازگشت.

او بسیار کوشید که ایرانیان را وادار به کنارگذاشتن آیین شیعه برای خوشنودی خلیفه عثمانی کند.

گروهی از سنی آیینان به عنوان رایزن، در دربار نادر، فعالیت داشتند. اینان وظیفه جاسوسی علیه دانشمندان شیعه و رزمندگان علیه حکومت نادر و فراخوانی مردم برای سنی آیین شدن داشتند و گزارش‌هایی از شیوه اندیشیدن و موضعگیری آنان به نادر می‌دادند. نادر نیز آشکارا؛ یا نهان آنان را می‌کشت، مانند برخورد او با شیخ الاسلام، حسین خاتون آبادی فرزند ابراهیم (نک: ← برگه ۱۹۶) است. امام افندی (نک: ← برگه ۷۵) یکی از این رایزنان دسیسه‌چین بود.

از سوی دیگر اخباریان و قشری‌گرایان شیعه از آیین سنی نادر و قشری‌گرایی او علیه اصولیان و فیلسوفان، سود جستند. ما گروهی از هم‌روزگاران ایشان را هم‌چون رفیع گیلانی در گروه اخباریان (نک: ← برگه ۲۸۳) و ذوالفقار اصفهانی (نک: ← برگه ۲۵۷) در گروه اصولیان، خردورزان و خردگرایان می‌بینیم که از صدرای شیرازی و فیض و آموزشگاه آنان دفاع می‌کنند که به معاد روحانی باور دارند. اینان اخباریان شیعه را متهم به سنی‌گرایی می‌کنند و یاران رفیع گیلانی از او و اخباریان دفاع می‌کنند که ایشان چگونه از تسنن نادر و ازبکیان پرهیز می‌کردند. (نک: ← برگه ۲۸۴-۲۸۵)

هماره اندیشه و روحیه نادر میان دو بخش در نوسان بود:

- از یک سو فاکتور دینی بود که او را وامی داشت از پیشوایان بایسته پیروی از خلیفگان عثمانی، دنباله‌روی و شنوایی داشته باشد؛

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۱۴

- از سوی دیگر فاکتور ملی بسیار نیرومند بود که او را برای راندنشان از سرزمینش و دفاع از ایرانیان و منافع و مصالح شخصی خود به رویارویی با آنان وادار می کرد و ناگزیر شد فتوایی برای امکان قرارگرفتن دو خلیفه در یک روزگار به دست آورد و چنین مسئله‌ای ممکن نشد، پس بر آن شد تا عراق و پایتخت‌های شیعه‌آیین و پایگاه آن را بگشاید و همایش دوم را از دانشمندان هر دو سو در نجف اشرف با شعار وحدت برقرارسازد که هر دو سو پذیرای چنین وحدتی نبودند، چون ایرانیان آن را به جهت قبول نداشتن عصمت و حصر اجتهاد که نوآور آن قادر بالله عباسی (۳۳۶ - ۴۲۲ ق / ۹۴۷ - ۱۰۵۰ م) بود، هرگز پذیرای چنین وحدتی نبودند.

نادر در جمادی یکم ۱۱۵۶ / تیرماه ۱۱۲۲ / ژوئن ۱۷۴۳ کرکوک را گشود. فرمانروای ترک بغداد، پذیرای شاهی نادر شد. از این رو، نادر به کاظمین، کربلا و نجف مسافرت کرد و در روزهای ۲۱ تا ۲۴ رمضان ۱۱۵۶ همایشی در نجف تشکیل داد.

این همایش ضد شیعه در پوشش وحدتی که بهای آن از میان بردن تشیع با انکار عصمت و اثبات حصر اجتهاد در پنج مذهب به جای آیین‌های چهارگانه بود و برای آن توفیق‌نامه‌ای^۱ نوشت و برخی از دانشمندان را وادار به امضای آن کرد.

همایش نجف، سال ۱۱۵۶ / ۱۷۴۳ م

نام برخی از امضا کنندگان که تقیه‌وار آن را امضا کردند در زیر برخی از نسخه‌های این توافق‌نامه وجود دارد، مانند نسخه‌ای که در کتاب منشآت مهدی استرآبادی در ذریعة، ج ۲۳، شماره ۷۹۵۸؛ ج ۳، شماره ۵۹۲؛ ج ۲۲، شماره ۵۹۸۴ آمده است. آن را دکتر عبدالحسین نوایی در کتاب خود نادر شاه و بازماندگانش، چاپ تهران، ۱۳۶۸ خ، برگه ۳۲۸ - ۳۴۰ گرد آورده است. نام گروهی اندک از آن‌ها در این جلد آمده است.

نام برخی از دانش‌پژوهان امضاکننده همراه با نادرشاه در آن سفر

میرزا محمدعلی فرزند ملا شفیع نایب صدارت علیه عالیہ؛ میرزا محمدحسین فرزند عبدالکریم قاضی عسکر؛ آقا حسین فرزند آقا ابراهیم شیخ الاسلام اردوی معلی؛ میرزا بهاءالدین محمد شیخ الاسلام کرمان؛ میرزا صدرالدین محمد شیخ الاسلام دامغان؛ قاضی هرات؛ آقا حسین شیخ الاسلام سبزواری؛ شیخ الاسلام استرآباد؛ شیخ الاسلام شیروان؛ شیخ الاسلام تهران؛ شیخ الاسلام شیراز؛ قاضی

^۱ عبدالله سویدی (۱۱۰۴ - ۱۱۷۴) در کتاب خود الحجج القطعیة فی الرد علی الشیعة (الذریعة، ج ۱۷، برگه ۱۶، شماره ۹۱) آن را جریده (روزنامه) نامیده.

جام؛ شیخ الاسلام نیشابور؛ سید محمد پیش نماز قم؛ میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام قم؛ سید حسین پیش نماز کاشان؛ آقا مرتضای شیخ الاسلام نایین؛ ملا رفیع شیخ الاسلام یزد؛ ملانصیر مازندرانی؛ آقا مهدی لاریجانی شیخ الاسلام گیلان؛ آقا مسیح دهدشتی؛ حاجی صالح شیخ الاسلام خلخال؛ شیخ الاسلام مراغه؛ سید محمد شیخ الاسلام ایروان.

گروهی از اندیشمندان که همراه شاه در سفرش نبودند

حاجی مهدی نایب صدارت خراسان؛ میرزا محمدرحیم شیخ الاسلام اصفهان؛ خطیب خراسان؛ شیخ الاسلام سمنان؛ شیخ الاسلام ارومی [ارومیه]؛ قاضی اردبیل؛ میرزا مقیم خادم آستان قدس رضوی؛ محمدعلی خادم آستان قدس رضوی؛ شیخ الاسلام شوشتر؛ آقا شریف شیخ الاسلام خراسان؛ میرزا اسدالله شیخ الاسلام تبریز؛ ملا طالب شیخ الاسلام مازندران؛ شیخ الاسلام قزوین؛ حاجی زکی شیخ الاسلام کرمانشاه (نک: ← برگه ۲۹۰ همین کتاب)؛ شیخ الاسلام کازرون؛ میر مهدی پیش نماز اصفهان.

گروهی از اندیشمندان میانرودان

دخیل علی قاضی کربلا؛ سید نصرالله مدرس کربلا (نک: ← برگه ۷۷۵-۷۷۸ همین کتاب)؛ مهدی فتونی (نک: ← برگه ۷۵۶-۷۵۸)؛ علی فرزند حمزه شیخ الاسلام کرکوک؛ محمد فرزند احمد جزایری؛ احمد فرزند درویش؛ ملا محمد خطیب نجف؛ عبدالله فرزند حسین سویدی^۱.

گروهی از اندیشمندان بخارا

محمدباقر دانشمند بخارا؛ میرعبدالله صدر بخارا؛ قلندر خواجه بخارا؛ شاهرخ خواجه بخارا.

گروهی از اندیشمندان افغانی ابدالی و غلیجه قندهار

ملاحمزه شیخ الاسلام افغانی؛ جمشید پیش نماز افغانی؛ علی مدرس افغانی؛ محمدامین هندی؛ یاسین مفتی بغداد و شاهد [ناظر همیشگی همایش].

^۱ عبدالله سویدی (۱۱۰۴-۱۱۷۴) در کتاب خود الحج القطعیة فی الرد علی الشیعة (الذریعة، ج ۱۷، برگه ۱۶، شماره ۹۱) آن را جریده (روزنامه) نامیده..

توافق‌نامه با انشای میرزا مهدی استرآبادی (نک: ← برگه ۷۵۳ - ۷۵۶) در ۲۴ شوال ۱۱۵۶ نوشته شد که با اندکی اختلاف در جهانگشای نادری و منشآت میرزا مهدی برگه ۷۰ - ۷۶ بدون نام امضاکنندگان آورده است. همان‌گونه که عبدالله سویدی (۱۱۰۴ - ۱۱۷۴ق) به گستردگی در کتاب خود حجج القطعیة آورده است. گزاره این کتاب در معجم المطبوعات، برگه ۱۰۶۶ یاد شده است. محمد مهدی فرزند صالح قزوینی زاده کاظمین و ساکن کویت در کتاب خود قامعة المبدعین (الذریعة، ج ۱۷، برگه ۱۶، شماره ۹۱) و سید محسن امین عاملی در جزو دوم کتاب معادن الجواهر (الذریعة، ج ۲۱، برگه ۱۷۶) و به نقل از آن در اعیان الشیعة، ج ۴۱، برگه ۸۶ - ۹۶ آن را رد و نقض کردند.

به هر رو سیاست نادر برای سنی کردن مردم به شکست انجامید.

همان‌گونه که می‌گویند: گماشتگان و پاسداران او در شب یازدهم جمادی یکم ۱۱۶۰ / ۳۱ اردیبهشت ۱۱۲۶ / ۲۱ می ۱۷۴۷ با تشویق گروهی به ریاست معیرالممالک که یکی از وزیران او به شمار می‌آمد و از مخالفین فراخوان وحدت به بهای نابودی تشیع بود و از دوست‌داران خاندان صفوی به شمار می‌آمد، او را کشتند.

روابط روحی‌روانی میان خاور و باختر

پس از تقسیم خاورمیانه اسلامی در سده دهم هجرت میان عثمانیان سنی در باختر فرات و صفویان شیعه در خاور دجله، فشار دینی بر دو سرزمین افزایش یافت. نتیجه آن افزوده شدن مهاجرت‌های ایدئولوژیک به پناهندگی‌های سیاسی گذشته بود. همواره پناهندگی از ایران به باختر عثمانی بسیار کمتر بوده است و بیشتر منحصر به گروهی اندک از بزرگان و سران سیاسی، مانند مخدوم قزوینی (طبقات أعلام الشیعة، إحياء الدائر، برگه ۲۴۵) است، ولی به جای آن پناهندگی از سرزمین‌های عثمانی، مانند عراق، سوریه، یمن و به ویژه لبنان به سوی ایران بسیار گسترده، فراگیر و مردمی است و آن به جهت کشتار فراوان شیعیان به وسیله فرمانروایان و

^۱ جهانگشای نادری؛ انوار، برگه ۷۹۹ به نقل از: Mouyer Khan, peper Bazin.

کارگزاران عثمانی در آن سرزمین‌ها می‌بود. زندگی‌نامه بسیاری از آنان را حرعاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ ق) در کتاب امل‌الآمل^۱ و کتاب‌هایی که در ذیل امل‌الآمل نوشته شده آورده است که همگی از همین گروه مهاجران بودند.

سید صدر برخی از این کشتارها را در کتاب تکملة الأمل‌الآمل^۲ نوشته است.

مهاجران به همراه خود ته‌نشست‌ها و رسوبات ایدئولوژیک سنی‌گرایانه ضد عرفان شیعه را نیز آوردند و این رسوبات را در تبعیدگاه‌های خود در ایران به گونه دفاع از اخباریان آشکار ساختند و از سوی دیگر گرایش‌های سنی‌گرایانه شاهان صفوی که از گذشته‌های دور در خانواده داشتند (نک: ← ۵۴۶) نیز بر آشکارتر شدن آن‌ها یاری رساند. از این‌رو، تهاجم علیه اصولیان، به ویژه فیلسوفان و آموزشگاه‌های پراکنده آنان در شیراز، کاشان و خراسان افزایش یافت.

آنان، اینان را متهم به شعوبی و غلو و حتا الحاد می‌کردند (الذریعة، ج ۱۹، ۱۱، ۲۴؛ طبقات اعلام الشیعة، روضة النضرة، ۴۷۸) و چه بسا در زمان‌هایی آنان را از پخش کتاب خود باز می‌داشتند و آن‌ها را با آب می‌شستند. (نک: ← برگه ۳۸۲: ۲۱، الذریعة، ج ۱۱، شماره ۱۰۱۸) همه این‌ها با فشار نیروهای حاکمیتی انجام می‌گرفت.

افزایش این فشارها، برخی از این دانشمندان را که می‌خواستند در سرزمین خود بمانند، ناگزیر به بازگشت گذشته شدند.

این بازگشت:

- یا در مواضع خردگرایانه ایشان بود که این بازگشت برای ماندن در میهن خود ایران بود، ماندن دست‌کشیدن فیض کاشانی (۱۰۰۷ - ۱۰۹۱ ق) از برخی عقاید خود است؛

^۱ کتاب امل‌الآمل: نام دیگر آن تذکرة المتبحرین فی العلماء المتأخرین است. سرگذشت زندگی بزرگان، راویان حدیث و اندیشمندان شیعه‌ای که از جبل عامل و جز آن برخاسته‌اند. مؤلف در این کتاب به ذکر معاصران معروف شیخ طوسی و بزرگان و رجال نزدیک به زمان شیخ اکتفا کرده است. این کتاب در واقع متمم و مکمل کتاب میرزا محمد فرزند علی استرآبادی است. کتاب به ترتیب حروف الفب در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول مشتمل بر شرح حال ۲۱۴ نفر و بخش دوم علماء متأخر از شیخ طوسی که مشتمل بر ۱۱۲۲ نفر است. در بخش دوم بعضی از شرح حال‌ها را بسیار مختصر آورده است. شیخ حرعاملی، محمد فرزند حسن (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ ق / ۱۶۲۴ - ۱۶۹۳) در شرح حال علماء به ولادت، وفات و قسمتی از اشعار و نوشته‌های آن‌ها اشارتی دارد.

^۲ تکملة الأمل‌الآمل، سید حسن صدر (۱۲۷۲ - ۱۳۵۴ ق)، پژوهش حسین علی محفوظ، عبدالکریم دباغ و عدنان دباغ، دارالمؤرخ، بیروت، لبنان.

- و یا گذار از مکتب تند و تیز ملاصدرا و رفتن به مکتب میانه‌روی رجب‌علی که برای قاضی سعید (نک: ← برگه ۳۰۹ همین کتاب) و برادرش حکیم محمدحسین (نک: ← برگه ۲۱۵) رخ داد؛

- و یا گاهی به گونه رانده شدن از شهر خودش در سرزمین ایران بود، همان گونه که برای فیلسوف صادق ارجستانی (د: ۱۱۳۴ق) روی داد. (نک: ← برگه ۳۵۹)؛

- و یا بیرون آمدن از ایران و رفتن به سوی خاور و هند پایگاه گنوسیزم و عرفان بود، نمونه آن برای فندرسکی (۹۷۰ - ۱۰۵۰ق) روی داد. (روضه النضرة في قرن الحادي عشرة، ۴۵۰) و همانند آن برای داود حکیم (کواکب المنتشرة في القرن الثاني العشرة، ۲۵۰ - ۲۵۲) رخ داد. هرگاه فرد مورد اتهام، بازگشت ایدئولوژی را نمی‌پذیرفت، کشته می‌شود، همان گونه که این سرنوشت گروهی از شهیدان این راه شد (نک: ← برگه ۳۵۴) و فرد را مثله کرده، زبانش را می‌بریدند، همان گونه که برای نواده صدرافیلسوف شیرازی رخ داد (نک: ← برگه ۲۶۷).

برخوردهای فلسفی

دیدگاه برتر و چیره بر مکتب‌های فلسفی خاور فرات تا هند، در این روزگار پیرامون دیدگاه‌های گنوسیستی سهروردی (۵۴۹ - ۵۸۷) می‌چرخید، به ویژه کتاب او هیتاً کلّ النور که جلال دوانی (۸۳۰ - ۹۱۸) آن کتاب را برای حکومت پیشین گزاره کرد، ولی گزاره او مورد خوشنودی منصور دشتکی (د: ۹۴۸ق) وزیر شاه طهماسب یکم (۹۳۰ - ۹۸۰ق) قرار نگرفت و دشتکی بر آن شد تا گزاره‌ای دیگر که بیشتر رویکرد گنوسیستی داشت بر آن بنویسد و بخش‌های سنی‌گرایانه دوانی را ردّ کند. از این رو، این دو گزاره کتاب انگیزه‌ای برای درگیری‌های فلسفی میان دو مکتب آموزش شیرازی، دوانی و دشتکی شد. برخی از مسائل فلسفی مورد گفتگوی این دو مکتب در سده دهم (نک: ← إحياء الدائر، برگه ۲۲۱ و ۲۴۴ و ۲۵۶) و در سده یازدهم بود.

ما این گفتگوهای فلسفی، دینی و سیاسی را میان متکلمان دو دولت صفوی و عثمانی نیز می‌بینیم، مانند گفتگوی میان نوح افندی رومی (د: ۱۰۷۰ق) و علی نقی کمره (د: ۱۰۶۰ق)، (نک: ← روضة النضرة، برگه ۶۸ و ۴۱۸؛ و الذریعة، ج ۵، شماره ۲۳۸) و قاضی سیفی سفیر ایرانی (روضه النضرة، برگه ۴۵۵) است.

هماره فشار ایدئولوژیک از سوی مردان سیاسی عثمانی به مردان حکومت صفوی منتقل می‌شد و این به جهت ناتوانی علمی و ناتوانی در ایستادگی سیاست‌مداران حکومت صفوی در برابر سیاسیون حکومت عثمانی بود و این فشار را از راه‌های گوناگون بر

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۱۹

فیلسوفان شیعه در ایران وارد می‌ساختند که من بخش‌هایی از آن را در زندگی‌نامه داماد (روضه‌النضرة، ۷۰) و پس از مرگ شاه صفی متحفظ [آگاه] (۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ق) آورده‌ام. او فشارآورنده بر صدرا و مدرسه او و کمره‌ای بود تا آن که شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ق) آمده و به تشویق رجب‌علی تبریزی (د: ۱۰۸۰ق) پرداخت تا به رد دو نظریه ملاصدرا در اصالت وجود بپردازد و از نظریه سهروردی در اصالت ماهیت نور دفاع کند.

او اشتراک وجود لفظی ملاصدرا را در سخن او به اشتراک وجود معنی توجه نمود. از این‌رو، چیرگی علمی اصفهان به دست رجب‌علی افتاد، ولی با درگذشت او در ۱۰۸۰ق نظریه‌های او شکست خوردند و دیدگاه‌های ملاصدرا در شیراز، اصفهان، کاشان و سبزوار پیروز شدند. (نک: ← الذریعة، ج ۱۳، س ۵؛ روضة النضرة، برگه ۲۱۵-۲۱۶)

پس از همایش ویژه نماز آدینه در دهه هشتم سده پیشین (روضه‌النضرة، برگه ۵۲۵) برخی تحفظات درباره این مسئله پیش آمد و به دنبال آن برخی از پیش‌نمازهای آدینه را از مقام خود برکنار کردند، در حالی که یک سده حکومت به تقویت این نهاد برخاسته بود. از این‌رو، گروهی از ایشان از حکومت صفوی روی گرداندند.

نادر شاه برخی از آن‌ها را تأیید کرد، مانند جزائری در خوزستان (برگه ۴۵۶) و رفیع گیلانی در خراسان (برگه ۲۸۴) و آنانی که در همایش دشت مغان شرکت داشتند. (برگه ۴۸۴ - ۴۸۵) نماز آدینه پس از فروافتادن نادر شاه از فرمانروایی نزد کسانی که آن را هم‌چون نیایش به تنهایی و نه سیاسی مانند دیگر نمازها واجب می‌دانستند، انجام می‌گرفت و گروهی آن را به طور کامل کنار گذاردند.

سپاس مرخدای را در آغاز و پایان.

علی نقی منزوی، تهران، اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۲خ.

برگردان به پارسی

محمدابراهیم ذاکر، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸

کتابنامه

نمایه کتاب و مقاله

- الإجازة الكبيرة، سيد عبدالله فرزند نورالدين موسوى جزايرى تسترى (د: ۱۱۱۲ق)، مقدمه شهاب الدين مرعشى نجفى، تحقيق و مقدمه محمد سامى حائرى، انتشارات كتابخانه مرعشى، قم، ۱۴۰۹ق.
- احوال العلماء من اقارب المؤلف، محمد حسين بن محمد صالح خاتون آبادى، نسخه خطى كتابخانه (ش ۱) مجلس شورى اسلامى، ش ۱۷/۵۵۰.
- إحياء الدائر من مآثر أهل القرن العاشر، طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگارى، تصحيح و تحقيق على نقى منزوى (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶خ.
- إختيار معرفة الرجال، رجال كشي؛ يا معرفة الثاقين، محمد فرزند عمر كشى (د: ۳۴۰ق)، تصحيح و تحقيق حسن مصطفوى، مقدمه نگارى محمد واعظزاده خراسانى دانشگاه مشهد، دانشكده الهيات و معارف اسلامى، مركز تحقيقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ ديگر: تحقيق و تصحيح محمدتقى فاضل ميبدي و ابوالفضل موسويان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، تهران، ۱۳۸۲خ.
- أعيان الشيعة، محسن امين عاملى (۱۲۸۴ - ۱۳۷۱ق)، ۱۱ جلد، بيروت، ۱۳۵۴ق؛ ديگر: دارالتعارف، بيروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
- أمل الأمل في أحوال علماء جبل عامل، تذكرة المتبحرين في العلماء المتأخرين، محمد حرعاملى فرزند حسن (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق)، تحقيق احمد حسيني اشكوري، انتشارات مكتبة الأندلس، بغداد، ۱۳۸۵ق.
- أمل الأمل في أحوال علماء جبل عامل، تذكرة المتبحرين في العلماء المتأخرين، محمد حرعاملى فرزند حسن (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق)، نسخه دستنويس صاحب الذريعة آقابزرگ تهرانى، كتابخانه شخصى عمومى، نجف.
- أمل الأمل، حرعاملى، محمد فرزند حسن (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق / ۱۶۲۴ - ۱۶۹۳).
- الأنوار الساطعة في المائة السابعة، طبقات اعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانى (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگارى، تصحيح و تحقيق على نقى منزوى (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالكتب العربى، بيروت، لبنان، ۱۹۷۲م.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۲۱

- اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم هجرت، دکتر علی نقی منزوی، پیشگفتار کتاب طبقات اعلام الشيعة، سده ۱۲هـ، الكواكب المنتثرة في القرن الثاني بعد العشرة، برگه ۵- ۱۶، برگدان به پارسی محمدابراهیم ذارک.
- آراء أهل المدينة الفاضلة، مبای آراء أهل المدينة الفاضلة، ابونصر محمد فرزند طرخان فرزند اوزلغ فارابی (۲۵۹ - ۳۳۹ق / ۸۷۳ - ۹۵۰م)، مطبعة الكاتوليكية، بيروت، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- البدور الباهرة بعد المائة العاشرة في العلماء الذين نشئوا بعد الألف من الهجرة إلى العصر الحاضر، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، نک: طبقات اعلام الشيعة.
- تاریخ طبرستان، ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد فرزند حسن (نگارش: ۶۱۳ق) + اولیاء‌الله آملی (تألیف ۷۶۰ق)، تصحیح و مقدمه‌نگاری عباس اقبال، دو جلد، تهران، ۱۳۲۰خ.
- تاریخ طبری، تاریخ الرسل و الملوك، تاریخ الأمم و الملوك، محمد فرزند جریر طبری (د: ۳۱۰ق / ۹۲۲م)، چاپ اروپا؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۵ جلد، ۱۳۵۲خ؛ و در سال ۱۳۵۳خ، انتشارات بنیاد فرهنگ، ۱۶ جلد.
- تاریخ عالم آرای عباسی، اسکندر بیک ترکمان فراهی اصفهانی (۹۶۸- ۱۰۴۳ق / ۱۴۰۵- ۱۴۶۸م)، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۱۳خ؛ تصحیح ایرج افشار، تهران، ۱۳۳۴خ؛ تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، ۱۳۷۷خ.
- تاریخ قم، حسن فرزند محمد فرزند حسن قمی (تألیف: ۳۷۸ق)، به کوشش سید جلال‌الدین تهرانی، تهران ۱۳۱۳خ.
- تأسیس الشيعة الكرام لفنون الإسلام، حسن صدر عاملی اصفهانی (د: ۱۳۷۴ق / ۱۹۵۵م)، بیروت، ۱۳۷۰ق.
- تتميم امل الآمل: شيخ عبدالنبي كاظمي
- تتميم أمل الآمل نوشته آقا شيخ عبدالنبي قزوینی فرزند محمدتقی (ز: ۱۱۹۷ق).
- تجارب الأمم و تعاقب الهمم، مشکویه رازی (د: ۴۲۱ق)، به کوشش آمدرز، قاهره، ۱۹۱۴؛ برگردان علی نقی منزوی، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶خ؛ تجارب الأمم، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، ۱۳۷۹خ.
- تعلیقہ بر أمل الآمل: علامه مجلسی و سید نعمت الله جزایری.
- تعلیقہ أمل الآمل، میرزا عبدالله افندی فرزند عیسی فرزند محمدصالح اصفهانی جیرانی (۱۰۶۶ - ۱۱۳۰ق)، انتشارات مکتبه آية الله مرعشی نجفی، قم.

- تکلمة امل الآمل را با عنوان تکلمه امل الآمل، شروح و تعليقات حسن صدر (د: ۱۳۵۴ق)، دو جلد، به رشته تحریر در آورده است.
- تکلمة امل الآمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات دارالمؤرخ العربي، پژوهش عبدالکریم دباغ، عدنان دباغ و حسین علی محفوظ، شش جلد.
- تکلمة امل الآمل، حسن صدر (د: ۱۳۷۴ق)، انتشارات مکتبه آية الله مرعشی نجفی، تصحیح احمد اشکوری حسینی، به کوشش محمود مرعشی، قم، ۵۲۵ برگه.
- تکمله روضة الصفات سال ۹۲۹ق، خواندمیر غیاث‌الدین فرزند همادالدین خواندمیر (۸۸۰ - ۹۴۳ق).
- الثقاة العیون فی سادس القرون، طبقات اعلام الشیعة، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تحقیق و تصحیح علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱م.
- جهان‌گشای نادری، میرزا مهدی‌خان منشی استرآبادی (د: ۱۱۷۵ تا ۱۱۸۲ق) منشی و مؤرخ نادرشاه افشار، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق عبدالله انوار، انتشارات انجمن آثار ملی ایران، تهران، ۱۳۴۱خ.
- الحجج القطیعة فی الرد علی الشیعة، عبدالله سویدی (۱۱۰۴ - ۱۱۷۴) (الذریعة، ج ۱۷،، برگه ۱۶، شماره ۹۱) آن را جریده (روزنامه) نامیده
- الحفاظ السادنة فی المائة الثامنة نک: الحقائق الراهنة فی المائة الثامنة / حقایق ثابت و دائمی سده هشتم، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، سال ۱۹۷۵ با ۲۷۱ برگه در بیروت.
- دلایل الامامة، محمد فرزند جریر طبری آملی صغیر (سده ۵هـ)، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۶۹ق؛ انتشارات نشر حیدری، نجف ۱۳۸۳ق / ۱۹۶۳م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء الاول، آب حیات - ازهاق الباطل، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشیعة، الجزء التاسع عشر، المآب - المجاهدات، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۸خ / ۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م.

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث و العشرون، منتزع - میوه، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۴خ / ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث، البائیة الحمیریة - التحیة المبارکة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۷خ / ۱۳۵۷ق / ۱۹۳۸م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثالث عشر، شاپور و شهناز - شرح قصیده ابن سینا العینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة القضاء، نجف، عراق، ۱۳۷۸ق / ۱۹۵۹م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثامن، دائره - دیو، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۹خ / ۱۳۶۹ق / ۱۹۵۰م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثامن عشر، کشف - لیلی و مجنون، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۶خ / ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني و العشرون، المقالید - المنتخب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۳خ / ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۴م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني، الأساری و الغلول - ایوان مدائن، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الغری، نجف، عراق، ۱۳۱۵خ / ۱۳۵۵ق / ۱۹۳۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الثاني عشر، الزائریة - سیه کاران، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰خ / ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۲م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الحادي و العشرون، المستبین - المقالة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۱خ / ۱۳۹۲ق / ۱۹۷۲م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الحادي عشر، رساله آب حیات - الزائریة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵خ / ۱۳۷۶ق / ۱۹۵۶م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس و العشرون، واثق - یهو، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۷خ / ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.

- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الخامس عشر، صابون - عیون، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳ خ / ۱۳۸۴ ق / ۱۹۶۵ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع والعشرون، نائیبه - نیه، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۵۶ خ / ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۸ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع، التخطیب - التیمیة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۰ خ / ۱۳۶۰ ق / ۱۹۴۱ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء الرابع عشر، شرح قصيدة ابن الفارض - الشینیة، آقابزرگ تهرانی، مطبعة الآداب، نجف، عراق، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م؛
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السادس والعشرون، ذیل الذریعة، آقابزرگ تهرانی، به کوشش احمد اشکوری حسینی، آستان قدس، مشهد، ۱۳۵۸ خ.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السادس، الحائریات - حزن المؤمنین، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۵ خ / ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء السادس عشر، غارات - قائد، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۵ خ / ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العاشر، ذائقه ماتم - الرسائل و المكاتیب، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق علی‌نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۳۵ خ / ۱۳۷۶ ق / ۱۹۵۶ م.
- الذریعة إلى تصانیف الشيعة، الجزء العشرون، المجتبی - المسبل، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه‌نگاری، تصحیح و تحقیق احمد منزوی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۴ خ)، چاپخانه اسلامیة، تهران، ۱۳۴۹ خ / ۱۳۹۰ ق / ۱۹۷۰ م.
- الذهب الخالص في القرن الخامس / زر ناب از سده پنجم، سپس آن را إزاحة الحلك الدامس بالشموس المضیئة في القرن الخامس / از میان بردن تاریکی شب با خورشیدهای تابان سده پنجم، به سال ۱۹۷۱ با ۲۲۹ برگه در بیروت به چاپ رسید.
- رجال ابن الغضائری، کتاب کتاب الصُغفاء و کتاب الجرح، حسین فرزند عبیدالله فرزند ابراهیم غضائری (د: ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م)، محمدرضا حسینی جلالی، قم، مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.

الرجال از ابوالعباس احمد نجاشی، ج. بمبئی ۱۳۱۷ق.

رجال الطوسي، الأبواب، شیخ الطائفة ابو جعفر طوسی (د: ۴۶۰ق)، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم، ۱۴۱۵ق؛ رجال الطوسي، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد فرزند حسن (د: ۴۶۰ق)، تصحیح محمدصادق آل بحر العلوم، مطبعة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.

رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، اصفهان، ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ق؛ چاپ دیگر: ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۴خ.

رجال قهپایی؛ مجمع الرجال، عنایت‌الله قهپایی (ز: ۱۰۱۱ق)، ناشر اسماعیلیان، قم ۱۳۶۴خ.

رجال کشی، إختیار معرفة الرجال؛ یا معرفة الثاقلین، محمد فرزند عمر کشی (د: ۳۴۰ق)، تصحیح و تحقیق حسن مصطفوی، مقدمه‌نگاری محمد واعظ‌زاده خراسانی دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، مرکز تحقیقات و مطالعات، مشهد، ۱۳۴۸خ؛ دیگر: تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبدی و ابوالفضل موسویان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲خ.

رجال نجاشی؛ یا فهرست أسماء مصنفی الشيعة؛ یا فهرست أسماء مصنفی الشيعة و ما ادركناه من مصنفاتهم و ذكر طرف من كنههم و ألقابهم و منازلهم و أنسابهم و ما قيل في كل رجل منهم من مدح او ذم، ابوالعباس احمد فرزند علی (۳۷۲ - ۴۵۰ق)، ج. بمبئی، ۱۳۱۷ق؛ دیگر: جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ق.

رساله سیاسی قطب‌الدین نیریزی عارف شیرازی (د: ۱۱۷۳ق؛ نک: کواکب المنتثرة، ← برگه ۵۹۸ - ۶۰۲)، تحقیق رسول جعفریان با همیاری کتابخانه مرعشی به سال ۱۳۷۱خ در قم

روضه الصفای ناصری (از آغاز حکومت صفویه تا سال ۱۲۷۰ق)، رضاقلی خان هدایت طبرستانی (۱۱۷۹ - ۱۲۵۰خ) روضه الصفای فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، میرخواند محمد فرزند خاوندشاه فرزند محمود میرخوند (۸۳۷ - ۹۰۴)، خواندمیر غیاث‌الدین فرزند همادالدین خواندمیر (۸۸۰ - ۹۴۳ق)، رضاقلی خان هدایت، تکمله ای بر این کتاب نوشت و این تکمله را به شکل سه مجلد (۹، ۸ و ۱۰)، مربوط به تاریخ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجار (یعنی تا سال ۱۲۷۰ قمری)، بدان الحاق کرد و آن را «روضه الصفای ناصری» نامید، چاپ سنگی ده جلدی هدایت، و چاپ حروفی سال ۱۳۳۸خ، مقدمه عباس پرویز، تهران.

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۲۶

الروضة النضرة في تراجم علماء المائة الحادية عشر، طبقات أعلام الشيعة القرن الحادي عشر، صاحب الذريعة آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری و تحقیق دکتر علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

سعداء النفوس في القرن المنحوس نك: الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، شجره نامه خاتون آبادی، محمد حسین فرزند محمد صالح خاتون آبادی، نسخه خطی کتابخانه (ش ۱) مجلس شورای اسلامی، ش ۱۷/۵۵۰.

الشيعة و فنون الإسلام، حسن صدر عاملی اصفهانی (د: ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م)

الضياء اللامع في القرن التاسع، طبقات أعلام الشيعة، شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵ م.

طبقات أعلام الشيعة القرن الحادي عشر، الروضة النضرة في تراجم علماء المائة الحادية عشرة، صاحب الذريعة آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تصحیح و تحقیق دکتر علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

طبقات أعلام الشيعة، الثقافة العيون في سادس القرون، شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱ م.

طبقات أعلام الشيعة، الحقائق الراهنة، الحقائق الراهنة في أعيان المائة الثامنة، شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، به کوشش علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵ م.

طبقات أعلام الشيعة، الروضة النضرة في علماء المائة الحادي عشرة، صاحب الذريعة آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری و تحقیق دکتر علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲خ.

طبقات أعلام الشيعة، القرن التاسع، الضياء اللامع في القرن التاسع، شيخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مقدمه نگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، لبنان ۱۹۷۵ م.

فصل الخطاب في تحريف كتاب رب الأرباب، حاجی نوری، میرزا حسین محدث نوری فرزند محمد تقی مازندرانی طبرسی (۱۲۵۴ - ۱۳۲۰ ق)، چاپ سنگی، ۱۳۰۱ ق.

- فهرس أعلام الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ألفه جمع من اولاد المؤلف و اصهاره و احفاده، تحت نظر ابن المؤلف: الدكتور علی نقی منزوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ خ / ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۸ م، سه جلد.
- فهرست طوسی، شیخ الطائفة حسن فرزند محمد طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، اشپرنگر *A. Sprenger*، التبرولی، مولوی عبدالحق، مولوی غلام قادر، کلکته، نخستین بار ۱۲۷۱ ق / ۱۸۵۳ م. در ۳۸۳ برگه همراه با ۴ برگه مقدمه به زبان انگلیسی؛ دیگر: تصحیح محمدصادق بحر العلوم، نجف به سال ۱۹۳۷ م؛ بحر العلوم، نجف، ۱۹۶۰ م؛ محمود رامیار، هزاره شیخ طوسی، دانشگاه مشهد، افست اشپرنگر، ۱۵۶ برگه + ۱۵ برگه پیش گفتار.
- فهرست کتابهای خطی فارسی، خان بابا مشار (۱۲۷۹ - ۱۳۵۹ خ) [۵ مجلد]، جلد اول: تهران، ۱۳۵۰ خ، ۱۴۷۲ ستون. فهرست فارسی مشار، ج ۱، ۲۲۱.
- فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، شیخ الطائفة حسن فرزند محمد طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، عبدالعزیز طباطبایی، مکتبه المحقق الطباطبایی، ۱۴۲۰ ق.
- الفهرست؛ یا فوز العلوم، ابن ندیم، ابوالفرج محمد فرزند ابویعقوب اسحاق فرزند محمد وراق بغدادی (د: ۳۸۵ ق / ۹۹۵ م)، تصحیح گوستاو فلوگل، ۱۸۷۱ - ۱۸۷۲ م، لایبزیگ؛ دیگر: چاپخانه رحمانی مصر، چاپ ۱۳۴۸ ق؛ برگردان محمدرضا تجدد، تهران، بانک بازرگانی ایران، ۱۳۴۶ خ.
- قامعة المبدعین، محمدمهدی فرزند صالح قزوینی (الذریعة، ج ۱۷، برگه ۱۶، شماره ۹۱)
- الکامل فی التاریخ، عزالدین ابوالحسن علی فرزند محمد شیبانی جزری، ابن اثیر (۵۵۵ - ۶۳۰ ق)، سیزده جلد، دار الصاد، بیروت، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م.
- کتاب منشآت مهدی استرآبادی در ذریعة، ج ۲۳، شماره ۷۹۵۸؛ ج ۳، شماره ۵۹۲؛ ج ۲۲، شماره ۵۹۸۴ آمده است.
- الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة، القسم الأول من جزء الثاني من طبقات أعلام الشیعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعة العلمية، نجف، ۱۹۵۴ م.
- الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة، القسم الثالث من جزء الثاني من طبقات أعلام الشیعة آقابزرگ تهرانی، به کوشش جلالی حسینی، The open school، شیکاگو، آمریکا.

- الکرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة، القسم الثاني من جزء الثاني من طبقات أعلام الشيعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مطبعة القضاء، نجف، ۱۹۵۸.
- الکواکب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة، طبقات أعلام الشيعة قرن ۱۲ هـ، شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، مقدمه ننگاری، تحقیق و تصحیح علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹ خ)، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ خ.
- اللثالی المربوطة فی بیان وجوب المشروطة، اسماعیل محلاتی (۱۲۶۹ - ۱۳۴۳ ق) (نک: ← الذریعة، ج ۱۸، ۲۶۳، شماره ۳۰؛ ج ۱۶، ۲۹۹، شماره ۸۹۸؛ طبقات أعلام الشيعة، قرن ۱۴، ۱۶۳)،
- اللثالی المربوطة فی بیان وجوب المشروطة، محمدا اسماعیل فرزند محمد علی محلاتی نجفی (د: ۱۳۴۳ ق)، شماره بازیابی: ۱۵۸۱۸/۵، شماره مدرک کتابخانه مجلس: ۱۳۲۵۸-۱۰، فارسی، رونویسگر محمد محسن بن علی مشهور به آقابزرگ طهرانی، تاریخ رونویسی ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ ق.
- مصفی المقال فی مصنفي علم الرجال، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸ خ)، احمد منزوی، انتشارات مجلس، تهران، ۱۳۳۷ خ، ۶۲۶ برگه.
- معادن الجواهر و نزهة الخواطر، سید محسن امین عاملی، دار الزهراء، چاپ اول، بیروت، ۱۹۸۱ م، ۴ جلد.
- معجم البلدان، یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶) شهاب الدین ابو عبد الله فرزند عبد الله رومی، چاپ لایبزیك (۱۸۷۳ - ۱۸۶۶ م)؛ افسست تهران، ۱۹۶۵ م؛ برگردان دکتر علی نقی منزوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، برگردان جلد اول تا پایان حرف الف، ۱۳۸۰ خ؛ جلد دوم تا پایان حرف "ز"، ۱۳۸۳ خ.
- معجم المطبوعات العربية و المعربة و هو شامل لأسماء الكتب المطبوعة في الأقطار الشرقية و الغربية مع ذکر أسماء مؤلفيها و لمعة من ترجمتهم و ذلك من يوم ظهور الطباعة إلى نهاية السنة الهجرية ۱۳۳۹ الموافقة لسنة ۱۹۱۹ ميلادية، يوسف اليان سرکيس (۱۲۷۲ - ۱۳۵۱ ق)، کتابخانه عمومی مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۰ ق
- منشآت میرزا مهدی استرآبادی، گزیده ای از منشآت میرزا محمد خان استرآبادی منشی الممالک نادرشاه افشار، صلح نامه ها، مقاله نامه ها، قراردادهای ...، به کوشش نصرالله بیات، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳ خ.

النابغة من الرواة / نام‌برده نشدگان از روایان خبر الذریعة، ج ۲۴، ۱، نک: نوابغ الرواة في رابعة المآت / الذریعة، ج ۲۴، ۳۱۵، شماره ۱۶۴۷، ۱۹۷۱، ۳۶۵ برگه، بیروت.

نادرشاه و بازماندگانش همراه با نامه‌های سلطنتی و اسناد سیاسی و اداری، عبدالحسین نوایی چاپ زرین، تهران، ۱۳۶۸خ، نامه تنسر، تاریخ طبرستان ابن اسفندیار، چاپ اقبال، تهران، ۱۳۲۰خ.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الأول من جزء الأول من طبقات اعلام الشيعة، ابراهیم اردبیلی - حسن لنکرانی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۳ق / ۱۹۵۴م.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الثالث من جزء الأول من طبقات اعلام الشيعة قرن الرابع عشر، صالح حریری - علوی آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۱ق / ۱۹۵۲م.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الثاني من جزء الأول من طبقات اعلام الشيعة قرن الرابع عشر، حسون براقی - صادق هندی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۵ق / ۱۹۵۶م.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الخامس من جزء الأول من طبقات اعلام الشيعة قرن الرابع عشر، فاضل اردکانی - یونس اردبیلی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، به کوشش محمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، تهران، ۱۳۹۵ / ۲۰۱۶.

نقباء البشر في القرن الرابع عشر، القسم الرابع من جزء الأول، علی ابوالوردی - غلامعلی بارفروشی، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، مطبعة الآداب، نجف، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م. نوابغ الرواة في رابعة المآت، طبقات اعلام الشيعة، بیروت، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحیح و تحقیق علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، بیروت، لبنان، ۱۹۷۱م / ۱۳۹۰ق.

نوابغ الرواة في رابعة المآت من طبقات اعلام الشيعة القرن الرابع، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، تصحیح و مقدمه نگاری علی نقی منزوی (۱۳۰۲ - ۱۳۸۹خ)، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۹۷۱م.

نهج البلاغة، شرح محمد عبده، بیروت، ۱۳۰۷ق؛ دیگر: تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، مطبعة الاستقامة، قاهره، مصر. وفيات الاعلام بعد غيبة الإمام الأنام، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، نک: طبقات اعلام الشيعة.

وفيات اعلام الشيعة بعد الألف من هجرة صاحب الشريعة، آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵ - ۱۳۴۸خ)، نک: طبقات اعلام الشيعة.

وفیات الأعلام من الشيعة الكرام، حسن صدر عاملی اصفهانی (د: ۱۳۷۴ ق / ۱۹۵۵ م).

اوضاع اجتماعی ایران در سده دوازدهم
هجرت

۳۰

دکتر علی نقی
نیمسزوی